



## گردشگری

ثبت و حفاظت این گنجینه‌های خاطر هانگیز  
ضروری است

### آداب و رسوم رمضان در شهرهای ایران



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

یکی از شاخه‌های گردشگری که به گردشگری آیینی شناخته می‌شود؛ بررسی و مشاهده مراسم‌ها و آیین مذهبی در حضور در آن است که در سال‌های اخیر نیز مورد توجه بسیاری از گردشگران قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مراسم نخل گردانی یزدی هادر روز عاشور، انام برد، ماه رمضان نیز برای مسلمانان به تنهایی آیین مذهبی ویژه، بلکه یک فرهنگ است که در درون فرهنگ مسلمان فارغ از رنگ و نژاد، پدیده شده است و ایرانیان مسلمان نیز از این جریان مستثنی نیستند. آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است که به واسطه قدمت خود، از قداسات ویژه‌ای برخوردار است. متأسفانه در زندگی شهری و ماشینی، بسیاری از این سنت‌های زیبا به فراموشی سپرده شده‌اند و بسیاری دیگر نیز کم رنگ تر شده‌اند. بدیهی است که ایران با گستردگی و داشتن استان‌های متعدد که هر کدام فرهنگ خاصی دارد، در ماه رمضان شاهد آیین و مراسم مختلفی است، به طوری که از نیمه شعبان جنب و جوش خاصی برای به پیشواز رفتن ماه رمضان در میان مردم نواحی مختلف کشور مشاهده می‌شود و مسلمانان برای انجام فریض دینی این ماه آماده می‌شوند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

#### کلوخ اندازون در شیراز

شیرازی‌ها، آخرین جمعه ماه شعبان را کلوخ اندازان می‌گویند، در این روز خانواده‌ها به گردشگاه‌های اطراف شهر رفته و آن روز را به خوشی می‌گذرانند. از خوراکی‌های مخصوص این روز می‌توان به آش شیرازی و فالوده شیرازی اشاره کرد.

چنین رسمی در شهرهای دیگری چون کرمان و قزوین نیز رایج بوده است، در قزوین به آن گل خندان و در کرمان سنگ اندازان می‌گویند. در شهر یزد نیز کلوخ اندازون برگزار می‌شود اما با خوراکی‌های مخصوص یزدی مانند شولی عدس، شولی باقلا، شولی شلغم، شله زرد و فالوده یزدی.

#### کلیدزنی در کرمان

در قدیم، اوایل ماه مبارک رمضان در بین خانم‌ها به ویژه زنان سالخورده، رسم بوده به خاطر خواصی که در قهوه وجود دارد، پس از حل کردن آن در آب، آن را به پیشانی خود می‌مالیدند. یکی دیگر از رسوم ماه رمضان در برخی مناطق استان کرمان خواندن الله رمضونی پسران و کلیدزنی دختران در شب‌های قدر است.

#### کاکولی بزون در چهار محال و بختیاری

این آیین در ۲۷ ماه رمضان و شب‌های قدر در تمامی نقاط این استان برپاست. در این رسم افراد مشغول پخت کاکولی (نان محلی استان چهار محال و بختیاری) می‌شوند و در اماکن مذهبی مانند مسجد و امامزاده میان روزهداران بخش می‌کنند. همچنین زنان بختیاری به منظور رسیدن به حاجتشان در روز ۲۷ رمضان باسینی‌های حنا که بر سر دارند به مساجد شهر می‌روند و با قاشق مقداری از حنای یک دیگر به داخل سینی خود می‌ریزند سپس در عید فطر با گلاب مخلوط می‌کنند و به دست و پای خود می‌گذارند.

#### بار رمضان در ترکمن صحرا

ترکمن هانیز رسم بسیار جالبی دارند به این صورت که در اواخر روز پانزدهم ماه رمضان بعد از شکر گزاری به مناسبت به نیمه رسیدن این ماه مبارک، اهالی محل به رهبری امام جماعت مسجد به خانه‌های مردم می‌روند و نوجوانان در این مهمانی هاشع و سرودی می‌خوانند. صاحب‌خانه هم به نوجوانان شیرینی و پول هدیه می‌دهد. ماه رمضان برای ایرانیان یعنی نشستن دور سفره افطاری و گوش دادن به ربنا و دعای افطار، اما متأسفانه این روزها بسیاری از آداب و رسوم ماه رمضان یا فراموش شده و یا در آستانه فراموشی قرار گرفته‌اند، بنابراین ضروری است برای ثبت و حفاظت این گنجینه‌های خاطر هانگیز ایران، اقداماتی صورت گیرد، به راستی آیا رمضان هنوز حال و هوای گذشته دارد؟



احسان زیور عالم

در زبان اهالی چک، زادگاه کافکا، عبارتی وجود دارد که بر ایزور بودگی و صف‌ناپذیر که در برابر منطقی بودن و خسرو رزی عرض اندام می‌کند، این عبارت kfkama است. از زمانی که کافکا در جهانی واقع‌گرا یک پارازیت وارد کرد تا واقعیت همیشگی غیر منطقی به نظر آید، نویسندگان پیش از گذشته جهان خود را kfkama کردند. پینتر و هاول و کانتور، میراث‌داران این عبارت بودند. جهان درام آنها ظاهر واقع‌گرا پنهان داشت، اما هیچ چیز منطقی به نظر نمی‌آمد، با این حال چنان این وضعیت کفکایی باور پذیر بود که آرام آرام مابه‌ازای واقعیتش را در جهان اطراف خود می‌یافتیم. «فرآیند» هم قصد دارد از کافکا عاریه بگیرد و خود را مصداق بارز kfkama بسازد. مردی در عصب خردکن گرفتار می‌شود، چیزی شبیه «محاکنه» کافکا. مرد در این بازی بی‌منطق، همه چیزش را از دست می‌دهد و در یک «فرآیند» احماقانه اسیر می‌شود.

نمایش علی کرسی زر نمونه‌های آشنایی در ادبیات دراماتیک شرق اروپا دارد. آثار نویسندگانی چون هاول و مروژک نمونه‌های موفقی بودند برای بازنمایی زیستی که با عادتش خارج شده بود و این بی‌منطقی ایزور دوگونه توسط مردم زیست می‌شد. نویسندگان گرفتار جهان کمونیسیم تلاش می‌کردند با شیخ طبعی چنان وضعیت را بازنمایی کنند. حماقتی که روی صحنه باز تولید می‌شد و مخاطب بانیش لبخند تلخی می‌زد. اما «فرآیند» فاقد چنین شیخ طبعی است. آدم‌های نمایش - که نیچمه شاهته به شخصیت‌های فیلم «نگل» دارند - روی صحنه منجمد می‌شوند، کمتر حرکت می‌کنند و بیشتر روی صحنه ای خود می‌خورند می‌شوند. این تنها آقای کا - که ارجاعی است به کافکا - پویایی در صحنه دارد که البته آن هم دال بر بیهودگی زیست اوست، دور باطل‌هایی که نابود می‌کنند. این فقدان شیخ طبعی مخاطب را کمی آزار می‌دهد، نوعی خشونت درون خودش دارد که نمی‌گذارد مخاطب کمی با واقعیت روی صحنه فاصله بگیرد، او به دنبال مابه‌ازای ماجرا می‌گردد و احتمالاً خودش را ایزور دوگونه توسط مردم زیست می‌شد. سیاسی و اجتماعی که دیگر چیزی به نام حریم وجود ندارد. نمایش چنان



## نگاهی به دو نمایش جوانانه مسیر سخت «بودن» در یک «فرآیند»

سردی به جان مخاطب می‌اندازد که گویی خشمش از نظام حریم شکن امروز ابر سر مخاطبش خالی می‌کند. به مخاطبش فرصت نفس کشیدن نمی‌دهد، یک پاساژ که در میان آن همه سپاهی گنج‌کننده، لبخندی بزند. «فرآیند» یک چیزی را فراموش

می‌کند، اینکه سیستم حریم شکن چیزی بیرون از ما نیست. ما آدم‌ها خود این سیستم را می‌آفرینیم و سیستم محصول جمع است. پس این حریم شکنی بیرون ما نیست. حتی بیرون سازندگان «فرآیند» هم نیست. آنها با مخاطب شریک در این گناه همدردی نمی‌کنند. در عوض به نظر می‌آید در جایگاه عاقل، خودش را از ماجرا کنار می‌گذارد و تطهیر می‌شود. مخاطب در برابر عصر منفعلی می‌شود و محکوم بدون دفاع صحنه را ترک می‌کند. او مجذوب اثر می‌شود، اما راه‌حلی در جیب ندارد. او مایوس می‌شود و نمایش روزهای امید برایش ترسیم نمی‌کند. شاید اینجا داروی فو لازم می‌شود که خودش هم بخشی از افتتاح شکل گرفته م شود. ما همه

#### نمایش «بودن» مر ترضی

جلیل دوست تلاش می‌کند در مسیر همان آثار مشهور پست مدرن باشد. چیزی شبیه آثار وودی آلن که با رمانی رادست مایه بر سازی می‌کند یا ژانری را. «بودن» هم تلاش می‌کند این رویه وودی آلنی را حفظ کند، اما آلن قدیمی که دنیای ایزور دو یکی از جهان‌های موازی می‌آفرید

معاصر دیدن می‌کنند جذابیت‌های متنوعی داشت. مهم‌تر از هر چیز بخشی از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران که به آثار هنرمندان ایرانی به خصوص هنرمندان مدرن اختصاص داشت در این موقعیت فرصت نمایش پیدا کرد از سوی دیگر در نسبت با موضوع جشنواره فرصت‌هایی به رابطه هنر و ادبیات در ایران داشته باشیم.

این که موضوعات اسطوره‌ای، تاریخی و قصه‌های ادبیات کهن پارسی تا چه اندازه در هنر هنرمندان ما نمود داشته و اساساً آیا باید توقع داشته باشیم که این مسائل به شکل مستقیم در آثار هنرمندان ما بروز پیدا کند؟

#### یک خواسته نابه جا

در همان روز افتتاح نمایش، احسان آقایی، رئیس سابق موزه که دوروز بعد از افتتاحیه به ظاهر استعفا و در باطن برکنار شد گفت که گردآوری این نمایش کار بسیار سخت و پیچیده‌ای بود چرا که آثار اندکی داشتیم که در

#### اگر با خود صریح باشیم و بدوین

هیچ عرضی نخواهیم درباره ماهیت این نمایش حرف بزنیم، نمایش «پنج گنج» یک نمایش وصله‌پینه‌ای است. در این نمایش ابیاتی از نظامی انتخاب و در کنار اثری درج شده است که به زعم نمایشگاه گردان رابطه‌ای میان آن اثر و بیت شعر وجود داشته است. اگر چه ممکن است این رابطه در وجوه مختلفی قابل پذیرش باشد اما حقیقتاً زمانی که بخوایم درباره الصاق پدیده‌ای به پدیده دیگر تلاش کنیم باید دلایلی هم برای آن وجود

۷۰ بود، ولی برای جامعه ایرانی درگیر یک انقلاب متفاوت، درهای پست مدرن دیر به روی وطن گشوده شد. هر چند فیلم‌هایی چون الماس ۳۳ داریوش مهرجویی تلاش‌هایی بودند برای وارد شدن به این دنیای جذاب، اما توقیف مهرجویی در آن روزگار نشان می‌دهد جامعه ایران طالب پست مدرنیسم نبود. بر خلاف امروز که در انبوهی از سریال‌ها و فیلم‌ها و رمان‌های پست مدرن، هنرمندان جوان میل سرکشی به بهره‌مندی از این وجه جذاب دارند. همانند نمایش «بودن» مر ترضی جلیل دوست که تلاش می‌کند در مسیر همان آثار مشهور پست مدرن باشد. چیزی شبیه آثار وودی آلن که با رمانی را دست‌مایه بر سازی می‌کند یا ژانری را. «بودن» هم تلاش می‌کند این رویه وودی آلنی را حفظ کند، اما آلن قدیمی که دنیای ایزور دو یکی از جهان‌های موازی می‌آفرید.

و باید زنده شود. آنها درکی از این تبادل ندارند، برخلاف گروه که آن را به خوبی ادراک کرده‌اند، ولی از گروه بیرون نمی‌روند. آنها از اسطوره ایرانی دوری می‌کنند و این سختی پست مدرنیسم در ایران است. ورود به محتوای ایرانی سخت است چون می‌تواند پارودی بسازد. پارودی چیز سختی است، می‌تواند به یک اثر مبتذل تبدیل شود. از همان روزهای شکل‌گیری لاله‌زار، پارودی در تئاتر با نوعی ابتذال آغشته می‌شود و پست مدرن‌ها از این موضوع می‌هراسند. چیزی شبیه کمدی‌های امروزی سینمای ایرانی که کلیشه‌ای و در خودمانده‌اند. «بودن» نیز از این مسأله می‌هراسد. به جای هملت نمی‌تواند سهراب

بگذارد. می‌هراسد خنده مخاطبش، خنده ناخواستی باشد. البته نباید خراشید. باید بیشتر تمرکز کرد و تمرین کرد. نباید ترسید چرا که محتوای ایرانی نیز بستر خوبی است برای به چالش کشیدن‌های پست مدرن.



داشته باشد که این دلایل درباره این نمایش مشخص نیست. در خوش‌بینانه‌ترین حالت بینندگان نمایش «پنج گنج» ممکن است از خواندن بیت شعری از نظامی و همزمان دیدن آثار روی دیوار به شکل مجزایی لذت ببرند. اما اساساً فهم رابطه بین این ابیات و آثار بسیار گنگ است. نکته دیگر که در صحبت‌های مدیران ما به شکل همیشگی مطرح است اصرار بر این نکته است که باید حتماً این ابیات به شکل مستقیم در آثار ما نمود پیدا کند. حال آن که به نظر می‌رسد بسیاری از این ابیات در قالب ادبیات و فرهنگ عامه و در بطن یک اخلاق فرهنگی در ناخودآگاه ما وجود دارد و ناخواسته بسیاری از این آثار نمودی از همان ابیات هستند. حتی اگر مستقیم به آنها اشاره نکنند، وانگهی؛ این که بخوایم به شکل دستوری امری را به امر دیگری الصاق کنیم، اساساً نتیجه عکس می‌دهد.

در ۲ نوبت در سال‌های ۸۱ و ۹۰ به صحنه رفته است، این بار نیز پس از ۱۰ سال برای سومین بار اجرا خواهد شد. در ۲ نوبت قبل این اجرا در تالار مولوی بوده است و اجرای جدید در سالن تئاتر مکتب تهران خواهد بود. با توجه به رف محدودیت‌های کرونایی طی ماه‌های سالن‌های شهر تهران فعالیت‌های خودشان را با حداکثر ظرفیت‌ها سر گرفته‌اند.

## بازگشت چهره‌های تئاتری به تئاتر

برده بود. جلال تهرانی، نویسنده و کارگردان تئاتر نیز قصد دارد نمایش «مخزن»، را با همراهی جمعی از شاگردانش نیمه‌های بهار در مکتب تهران به صحنه ببرد. «مخزن» که پیش از این

تهیه‌کنندگی محمد قدس از اردیبهشت روی صحنه پردیس تئاتر شهرزاده می‌رود. بهرام افشاری البته نمایش «جوجه تیغی» را در چند نوبت در خانه هنرمندان و تماشخانه باران روی صحنه

محمد مساوات که از زمستان ۹۸ تاکنون فعالیت‌های تئاتری خود را متوقف کرده بود، به زودی در تماشخانه اپرا تشر نمایش «شکوفه‌های گیلان» را روی صحنه می‌برد. البته هیچ اخباری مبنی بر بازگیران و زمان اجرای این نمایش منتشر نشده است. نمایش «چه کسی جوجه تیغی را کشت» باطراحی، نویسندگی و بازی بهرام افشاری و همراهی تینو صالحی و